

# بازگشت و حسا

حتی پدر و مادر که خداوند خود در باره آنها توصیه خیر نموده است، چنانچه بر خلاف اعتقاد دینی او نظری داشته باشند، نباید در این مورد تسلیم نظریه آنها شده و از عقیده اسلامی خویش چشم ببوشد و لذا می فرماید «فلا تطعهما».

بدین ترتیب می بینیم همیشه اسلام روی ضوابط پافشاری نموده و آنجا که میان روابط با ضوابط تعارضی پیش آید، هیچگونه ارزشی برای روابط معتقد نمی باشد، گرچه در حد رابطه میان والدین و فرزند باشد که خود در باره آن سفارش نموده و شکرگزاری از آنان را در ردیف شکرگزاری از خویش قرار داده است. پدر و مادری که عمری برای فرزند زحمت کشیده و آسایش خویش را فدای آسایش او می نمایند، هنگامی که بر خلاف ضوابط اعتقادی فرزند سخنی می گویند، قرآن با قاطعیت می فرماید: از آنان اطاعت مکن. پس توای مسلمان در هر مقام و مسئولیتی که قرار داری سعی کن که روابط را بی ربط سازی و جز ضوابط چیزی را ملاک عمل خویش قرار ندهی!

## بازگشت به فطرت

انابه به معنی رجوع و بازگشت است. خداوند انسان را با فطرتی آفریده است که جهت حرکت و آهنگ او بسوی خالق می باشد و از اینرو هرگاه تحت تأثیر جاذبه های مادی و یا جنسی و یا مقام و... قرار گیرد و از فطرت، انحراف مسیر پیدا نماید، ناگاه متوجه انحراف خویش شده و به سوی خالق باز می گردد، البته از باب خطای در تطبیق گاه خالق با موجود دیگری اشتباه گرفته می شود. و نیز همیشه چنین نیست که انابه وجود داشته

«وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»<sup>۱</sup>

و پیروی از راه کسانی بنما که به سوی من آمده اند، سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من شما را از آنچه عمل می کردید آگاه خواهم ساخت.

در آیه قبل - که در شماره گذشته تفسیر شد - چنین آمده بود: هرگاه پدر و مادر بکوشند تا تو موجودی را شریک من سازی که به آن آگاهی و علم نداری، از آنان اطاعت مکن. فرزند در عین حال که باید موجبات رضایت پدر و مادر را فراهم آورد ولی هرگز مجاز نیست مطالبی را که بر خلاف اصول اعتقاداتی حقه است از آنان بپذیرد. اسلام خواهان این است که انسان هم معتقد به اصول دین باشد و هم فروعی را که از اینها منشعب می گردد بپذیرد، و چنانچه پدر و مادر فرزند را به ضد یکی از این روشهای اعتقادی فرا خوانند، نباید از آنان اطاعت نماید، پس در این گونه موارد از چه کسی باید پیروی نماید؟

## ضوابط بجای روابط

آیه فوق تکلیف شرعی او را در این حالت بیان می نماید و می فرماید باید پیروی از خط کسی بنمائی که بسوی من بازگشته است. در اینجا نکته ای نهفته است و آن نکته این است که اسلام دینی است منطقی و از نظر اصول اعتقادی و فروع عملی، آنچنان قوی و غنی است که فوق هر فکر و اعتقاد و دستوری است و از اینرو می فرماید، مسلمان باید در هر شرائطی تنها تابع اعتقاد خویش بوده و تحت تأثیر هیچ فرد یا مقامی قرار نگیرد،

# بررسی دقیق

قسمت شانزدهم

با عفت دعوتش می‌کنند، اگر او در این میان، راه خدا را انتخاب نماید، جوهر و عظمت انسانی خود را بروز داده است. قرآن کریم در این زمینه چنین می‌فرماید:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِقَامًا شَاكِرًا وَإِمَامًا كَفُورًا»<sup>۳</sup> ما راه را به انسان ارائه دادیم و او را هدایت به صراط مستقیم نمودیم تا او چه راهی را انتخاب نماید و در نتیجه شکرگزار و یا کفران‌کننده باشد. علمای بزرگ، شهدا، مؤمنین واقعی و خالص، ابوذرها، سلمان‌ها و امثال آنها جزء کسانی هستند که انابه الی الله دارند و راه را پیدا کرده‌اند. قرآن می‌فرماید: ای انسان‌ها! اگر پدران و مادران شما، به شما دستوری که مخالف با اسلام و عقیده شما بود دادند، حق ندارید دستور آنان را اطاعت نمائید «فَلَا تَطْعَمُهُمَا»، بلکه شما موظفید که بحکم عقیده و ایمان خویش از کسانی پیروی نمائید که در صراط مستقیم‌اند و بسوی من بازگشته‌اند «وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ» پس خداوند راه را در این آیه شریفه برای فرزندان روشن ساخته است تا کسی نگوید: چون پدر و مادرم چنین دستوری دادند، اطاعت نمودم!! زیرا اطاعت در مسائل و احکام شرع، تنها باید از خدا و بوسیلهٔ بندگانش شایستهٔ خدا باشد.

«ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ»

در شماره قبل معنای «إِلَى الْمَصِيرِ» را معنی نمودیم «إِلَى مَرْجِعِكُمْ» نیز بهمان معنی است، یعنی شدن شما و بازگشتتان بسوی من است. ما انسانها چون رود عظیمی در حرکتیم و می‌رویم و از کانال مرگ به ابدیت می‌پیونديم و آنجا به لقاء الله می‌رسیم.

باشد، بلکه ممکن است فردی تا آخر زندگی در انحراف بسربرد و چنانچه احیاناً در بعضی حالات و لحظات متوجه خداوند گردد، مجدداً خدا را فراموش نموده و بهمان مسیر انحرافی خویش ادامه دهد. زیرا در باطن انسان تمایلات و کششهای مختلفی قرار دارد که انسان را بسوی انحراف می‌کشاند مثلاً انسان دارای شهوت است، و از اینرو بطور طبیعی به سوی آن کشیده می‌شود. انسان دارای حرص و آز است و لذا تمایل به احتکار، ثروت‌اندوزی و غیره دارد. انسان دارای غضب، حب ریاست است و دنبال آنها می‌رود، اینها همه کششهایی است که در نهاد انسان نهفته شده و چنانچه آدمی آنها را تعدیل نکند و خود را از مسیر صحیح ارضاء ننماید به انحراف کشیده می‌شود.

کشش دیگری هم در نهاد انسان قرار دارد که کشش به سوی خدا است، که به او می‌گوید: این جهان را خالق است و باید بجانب او توجه کرده و روی آورد. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup> روی بجانب آئین پاک اسلام آور؛ این فطرتی است که خداوند خلق را بر آن آفریده است و دگرگونی و تغییر در آفرینش خدا راه ندارد، این است دین و آئین محکم و استوار.

عظمت و شکوه وقتی تجلی می‌نماید که در میان این کششها و کشمکشهای غرائز و فطرت توحیدی، انسان راه خدا را انتخاب نماید، راهی که با فطرت او هماهنگ است.

انسانی که هواهای نفس او را بسوی دنیا و مادیات فرا می‌خوانند، حب مال و آسایش او را بسوی مال‌اندوزی و راحت‌طلبی می‌کشاند و حب مقام بسوی احراز یا حفظ مقام، بهر صورتی که ممکن شود سوق می‌دهد، و غریزه شهوت به طرف اعمال منافی

«فَأَنْبِئِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»

پس از لزوم شکر گزاری از خداوند و سپس شکر گزاری از پدر و مادر می فرماید: مواظب خویش باشید که بازگشت شما بسوی من است و در آن هنگام شما را از آنچه امروز عمل می نمائید، آگاه خواهم کرد. تمام کارهای بدنی و فکری که اعتقاد به شرک و غیره است در آن روز، مورد سؤال و رسیدگی قرار می گیرد.

### آگاهی، محاسبه، مجازات

در روز قیامت سه کار انجام می گیرد:

اول- آگاه ساختن افراد از کارهایی که در دنیا انجام داده اند، تا هر انسانی نسبت به کارهایی که انجام داده و گناهانی که مرتکب شده مجدداً مطلع گردد.  
دوم- رسیدگی و محاسبه اعمال.  
سوم- مجازات و اداش آنها.

در این آیه فقط مسأله آگاه ساختن افراد با اعمالشان مطرح است و آن دو مسأله در آیات دیگر بیان گردیده است. کارهای مخفی یا علنی؛ خوب یا بد؛ فکری و یا عملی. «فَأَنْبِئِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» پس این جمله مربوط به این است که اعمال انسان در روز قیامت برایش آشکار می گردد، قرآن کریم درباره آن روز در جای دیگر می فرماید:

«وَيَوْمَ نُسَبِّحُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَا هُمْ فَلَم نَعَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا. وَغَرَضُوا عَلَي رَبِّكَ صَفًا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا. وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يَقَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّ رَبُّكَ أَحَدًا»<sup>۱</sup>  
بخاطر بیاور روزی که کوهها را به حرکت درمی آوریم و زمین را آشکار و ظاهر می بینی و همه آنها (انسانها) را محسوس می نمائیم و احدی

را فروگذار نخواهیم نمود.

آنها همه در یک صف به پروردگارت عرضه می شود (و به آنها گفته می شود) شما همگی نزد ما آمدید آنگونه که در آغاز شما را آفریدیم اما شما گمان می کردید ما موعدی برایتان قرار نخواهیم داد. و کتاب (کتابی که نامه اعمال همه انسانها است) در آنجا گذارده می شود، اما گشکاران را می بینی که از آنچه در آن است ترسان و متوحش اند و می گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی نیست مگر اینکه آن را بحساب آورده است!؟ و تمام اعمال خویش را حاضر می بینند و پروردگارت به کسی ظلم نمی نماید.

آن روز، روز بر ملا شدن و آشکار گردیدن اعمال نیک و بد انسانها است و هرکس شناخته می شود که در دنیا چگونه آدمی بوده است، لذا در دعا وارد شده است: «فَلَا تَفْضَحْنِي عَلَي رُبُوسِ الْأَشْهَادِ» خداوند! در آن روز، مرا در میان مردم بواسطه افشا ساختن اعمال و گفتارم، مفتضح و رسوا نساز.

«بِأَنِّي أَنهَا إِنْ نَكُ مِنْفَال حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»

پسرم! اگر باندازه وزن دانه خردلی (عمل خوب یا بد از تو سرزده) باشد و در دل سنگی یا در گوشه ای از آسمانها و زمین قرار گیرد خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می آورد که خداوند دقیق و آگاه است.

### حسابرسی دقیق

در آیه قبل فرمود: باز گشت شما مردم بسوی من است و من شما را از اعمالتان باخبر می سازم، بدین ترتیب ملاحظه می نمائید که آیه فوق با آیه پیش از آن کاملاً ارتباط می یابد و بمنزله بیان و توضیحی برای آن آیه می تواند بحساب آید.

خردل در فارسی هم به کار می رود و به حبه های خیلی ریز گفته می شود که مانند دانه خشخاش است و رنگش سیاه می باشد، آیه فوق می فرماید: چنانچه عملی انجام دهید که در



حاضرش می سازند، هرکاری از انسان صادر شد، آن کار را به گردن و عهده او ثبت می نمائیم، ما کارهای انسان را حلقه گردنش می سازیم مانند گردن بندی که در گردن زنان است، وقتی که در قیامت حاضر شد مجموعه این کارها پرونده عمل او را تشکیل می دهد، آنگاه به او دستور می دهیم: نامه اعمال را بخوان، کافی است که خود در باره خود قضاوت نمائی. این کتاب ظاهراً غیر از کتابی است که اعمال تمام بندگان در آن ثبت می شود و در همین بحث به آن اشاره شد، بلکه این آیه به کتاب کوچک اعمال انسان نظر دارد.

آیات سه گانه آخر سوره «زلزله» همین موضوع را بیان کرده است: «بِوَيْبُذٍ يُصْدِرُ النَّاسَ أَشْتَاتًا لَّيْرًا أَعْمَالَهُمْ، فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ. وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» در آن روز قیامت مردم بطور پراکنده محشور گردند تا اعمال خویش را ببینند، پس هرکس باندازه ذره ای کار خیر انجام داده باشد آن را خواهد دید و هرکس بقدر ذره ای کار زشت مرتکب شده باشد، آن را خواهد دید.

ذره چیست؟ شما وقتی به اطاقی که از پنجره آن نور خورشید به داخلش می تابد نگاه کنید، اجسام بسیار ریز و معلق را در هوا می بینید، به آنها ذره گفته می شود. خداوند متعال می فرماید: هرکس کار خیر یا شری که به کوچکی ذره ای باشد، در دنیا انجام دهد، روز قیامت، آن را خواهد دید.

•••

تا اینجا سخن ما در باره وضعیت انسان در قیامت بود که در سوره لقمان و در چند سوره دیگر ذکر شده است ولی را جمع به کیفر و پاداش اعمال در این آیات اشاره ای نشده است و در آیات دیگر مطرح گردیده که در جای خود از آن بحث خواهد شد.

**ادامه دارد**

- ۱- سوره کهف آیه ۴۹-۴۷
- ۲- سوره لقمان آیه ۱۶
- ۳- سوره اسراء آیه ۱۴-۱۳

- ۱- سوره لقمان آیه ۱۵
- ۲- سوره روم آیه ۳۰
- ۳- سوره انسان آیه ۳

مقایسه با دیگر اعمال به وزن و کوچکی دانه خردلی هم باشد و آنچنان آن عمل را در پنهانی و خفا مرتکب شده باشید که از دید همه کس مخفی باشد، آنچنان که دانه ریز خردل اگر در دل سنگی بزرگ و سنگین و یا در درون کره عظیم زمین نهفته باشد، و یا آن عمل در برابر دیگر اعمال آنقدر کوچک باشد، مانند دانه ریز خردلی در برابر کرات و اجسام بزرگ در فضای بی کران آسمان؛ خداوند آن را برای حساب در دادگاه قیامت حاضر خواهد ساخت، چرا که خداوند لطیف وخبیر است و از تمام اعمال و کردار موجودات ریز و درشت عالم آگاه می باشد.

بنابراین، اگر کوچکترین عملی از تو سرزد، چه آن عمل در حضور کسی انجام گیرد و یا از دید همگان برای همیشه مخفی بماند، در روز قیامت، بحساب خواهد آمد. شخصی پس از سالها که از فوتش می گذشت به خواب یکی از دوستانش آمد، آن دوست از وضعیت او سؤال نمود، آن شخص گفت: از آن وقت که مرده ام تا کنون گرفتاری یک کار کوچکی هستم که در زندگی از من سر زده است. دوستش پرسید: چه کاری؟ گفت: روزی از خانه به قصد مسجد بیرون رفتم، باری هیزم از در خانه ام می گذشت، من دست دراز نموده و یک چوب کوچکی را از آن، برای خلل کردن دندانهایم جدا نمودم و این زمان طولانی که مرده و از تو جدا گردیده ام در برابر این سؤال قراردادم که: چرا به مال مردم بی اجازه، دست درازی کردی؟! **آیا شما هم در این حال هستید؟**

بنابراین، کامپیوتر محاسبه قیامت، بسیار دقیق و باریک بین است، تمام کارهای کوچک و بزرگ فکری و بدنی را به حساب می آورد. این اعمال در آن کتابی که برگردن انسان است نوشته شده «وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا. إِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» اعمال هر انسانی را به گردنش آویخته ایم و روز قیامت کتابی برای او بیرون می آوریم که آن را در پیش خویش گشوده می یابد (به او می گوئیم) کتابت را بخوان کافی است که امروز خود حسابگر خود باشی.

پرونده اعمالش را به گردن افکنده و در قیامت برای حساب